

بازتاب حس تعلق به مکان در طراحی سرای محله کوهسار تهران

محمدعلی رجایی*

استادیار گروه مهندسی معماری دانشگاه آزاد واحد سمنان

مریم گودرزی

دانشجوی دکتری مدیریت گردشگری، دانشگاه لیسبون پرتغال

مریم دارابی

دانش آموخته کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری دانشگاه امین فولادشهر

کاملیا تشکری

دانش آموخته کارشناسی ارشد مهندسی معماری دانشگاه آزاد واحد سمنان

چکیده

توسعه شهرهای امروزی در قالب شهرک‌ها و مجتمع‌ها صورت می‌گیرد. ساختار محله، هویت محله‌ای در انبوه برجها و بلند مرتبه‌های مدرن گم شده است. شهروند خود را منفک از محله می‌داند و محلات، تهی از هویت و احساس تعلق شده‌اند. این گسست در کنار پیچیدگی زیاد موضوعات و مسائل بشریت باعث تهی و برهنه شدن معماری شده است. هدف این نوشته طراحی سرای محله کوهسار، با رویکرد رویکرد ارتقا حس تعلق در میان ساکنان محله می‌باشد. محله کوهسار به علت قرارگیری در بخش شمال و مجاور مناطق گردشگری تهران و فقدان سرای محله برای این منظور انتخاب شده است. در فرآیند انجام پژوهش در گام اول با انجام مطالعات اسنادی، مولفه‌های اصلی پژوهش استخراج و بر اساس آن پرسش‌نامه تدوین شد. پرسشنامه میان ساکنین محله توزیع و نتایج آن استخراج شد. نهایتاً مدلی از تحقیق با استفاده از نرم افزار spss و آزمون‌های T Student و Pearson استخراج شد که بیانگر آن است که میان میزان حس تعلق محله ای و مدت اقامت، علاقه مندی به تنوع عملکردی و عناصر طبیعی رابطه همبستگی برقرار است. با شناخت اهمیت ملاحظات محیطی و نتایج به دست آمده از پژوهش نظری، اسناد معماری و نقشه‌های لازم ارائه شده است. در این طرح تلاش شده تا فضاهای اصلی و جانبی با الهام از الگوهای کالبدی و هندسی درخور در کلیتی یکپارچه، انگاره‌ای معمارانه از مفاهیم مورد مطالعه را ارائه دهند.

واژگان کلیدی: سرای محله، حس تعلق، کوهسار، حس مکان

مقدمه

روند توسعه‌ای موجود در شهرهای ما، به ویژه شهرهای بزرگ نشان می‌دهد که مناطق مسکونی شهر و محلات به دلیل توسعه نابسامان و مغشوش، در معرض از دست دادن شخصیت و هویت دیرینه خود قرار گرفته‌اند. پیدایش احساس بیگانگی نیز یکی از سرچشمه‌های مشکلاتی است که امروزه گریبانگیر مردمان جهان گشته است و این مسئله بیش از همه بین مردم و محیط زندگی (محله) آن‌ها ظاهر می‌گردد (فاضلیان و قاسمی، ۱۳۹۲: ۵۸).

شهرهای امروزمین ما با گذشت زمان و با تغییرات صورت گرفته، از مفهوم محلات سنتی فاصله گرفته و محلاتی بی‌هویت را شامل می‌باشند. توسعه‌ها در قالب شهرک‌ها و مجتمع‌ها صورت می‌گیرد. ساختار محله، هویت محله‌ای در انبوه برج‌ها و بلند مرتبه‌های مدرن گم شده است. شهروند خود را منفک از محله می‌داند و محلات، تهی از هویت و احساس تعلق شده‌اند. مسائل شهر بدون مشارکت شهروندان و از طریق نهادها و ارگانهای مربوطه رسیدگی می‌گردد. محیط آشنای محله برای ساکنین که صرفاً ساکن محله هستند، دیگر معنای خاصی را تداعی نمی‌کند. محله، دیگر منشأ خاطرات افراد و فضایی زیستی و پرشور محسوب نمی‌شود. این گسست در کنار پیچیدگی زیاد موضوعات و مسائل بشریت باعث تهی و برهنه شدن معماری شده است. سازندگان ساختمان‌ها تقریباً فقط به دنبال سود بیشتر هستند. میزان سود دهی ساختمانها فرم، کیفیت و نحوه اجرا و ایفای نقشی که این ساختمان‌ها دارند را تعیین می‌نماید. طراحان تنها توجه خود را به ظواهر فیزیکی منطقه معطوف می‌نمایند یعنی فقط به اشتغال فیزیکی ساختمانی که طراحی می‌کنند، می‌اندیشند. نتیجه چنین تفکری تنها انتخاب موقعیت برای ساختمان و تشریح چگونگی دسترسی وسایل نقلیه، ارتفاع، شکل، ظاهر ساختمان و... است و حاصل ساختمان‌هایی است که نه به مردم و نه به مکان ساخت خود وفادارند (مزین خرازی، ۱۳۸۸: ۳).

در دهه‌های اخیر با رشد همه‌جانبه‌ی تهران، کارشناسان نگران موضوعی به نام هویت این شهر شدند؛ در بسیاری از مطالعات صورت گرفته در این خصوص توصیه شده است که تفکیک ذهنی این ابرشهر به واحدهای کوچک یا همان محله و توسعه اجتماعی محله محور می‌تواند به انسجام اجتماعی، افزایش احساس تعلق و مشارکت عمومی کمک کند.

محله‌های شهری در تهران و عناصر وابسته آن به خصوص مرکز محله‌ها، از جمله عرصه‌هایی هستند که به ندرت تحت تأثیر شهرنشینی و شهرسازی شتابزده قرار گرفته‌اند و در این روند تحولات بسیاری را پذیرفته و حتی در موارد بسیاری از بین رفته‌اند. در این میان زنده کردن این مراکز و آوردن آن‌ها به قلب محله‌ها، به عنوان پاتوق‌های محله‌ای، مسئله‌ی حایز اهمیتی می‌باشد.

بررسی و شناخت عوامل مداخله‌گر و تأثیرگذار بر احساس هویت‌مندی می‌تواند در جهت حل معضل بحران هویت در شهرها و محلات امروز کارساز باشد. انسان ساکن در محلات کلان شهرهای امروزی، با فضای محله خود مأنوس نیست و در تصویر ذهنی وی محله بخشی از شهر محسوب می‌شود. امروزه محله ویژگی‌های

سنتی خود را از دست داده و همواره احساس بی‌ریشه‌گی و سرگردانی را بر انسان ساکن در آن القاء می‌کند (نادری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸).

بی توجهی به ارتباط انسان و محیط، تنزل در کیفیت و حس دل‌بستگی به محیط را به همراه داشته است. محیط مصنوع، گستره‌ای از روابط پیچیده می‌باشد که نه تنها بین افراد با یکدیگر بلکه بین افراد و محیط نیز رخ میدهد. محیط مصنوع و تاثیرات آن در زندگی انسانها موجب انگیزه‌ای برای پژوهشگران امروزی شده است که رابطه بین محیط مصنوع و انسان را بیشتر مورد بررسی قرار دهند. تحقیقات نشان داده است که کیفیت و ویژگی‌های محیط می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای روانی مردم نیز باشند. یکی از مهمترین نیازهای روانی افراد، حس تعلق می‌باشد که در صورت برقراری این حس بین انسان و محیط، موجب ایجاد علاقه و برطرف شدن نیازها انتظارات ساکنین می‌شود.

در معماری گذشته مرکز محله همچون نگینی در قلب محلات وجود داشت که تمامی خصوصیات و مشخصات یک فضای مفصل و رابط را در یک محدوده‌ی شهری ایفا می‌کرده است که با توجه به تغییر چیدمان فضایی و ساختاری شهرهای امروزی، این گونه مرکز محله‌ها نابود شده‌اند و دیگر فضایی را با کاربری مختص به پاتوق در محلات نمی‌توان یافت. لذا می‌توان با اختصاص فضایی در محلات به عنوان سرای محله این خصوصیات را بازآفرینی کرد.

محله کوهسار به دلیل داشتن بافت سنتی و پتانسیل بیشتر آن به این صورت که مرکز محله قدیم آن علی‌رغم تغییرات گوناگون، حفظ شده و مراجعان زیادی به دلیل قرارگیری آن در منطقه تفرجگاهی به آن مراجعه می‌کنند، گزینه‌ی مناسبی برای ارتقاء حس تعلق به مکان در نظر گرفته شد.

اهداف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش طراحی مجموعه‌ای عمومی است که به عنوان سرای محله منجر به ارتقاء و انسجام اجتماعی شهروندان و تقویت حس تعلق محله‌ای ایشان شود. و اهداف فرعی شامل شناخت مجموعه عوامل کالبدی موثر بر ارتقاء حس تعلق محله‌ای در فضاهای عمومی محله کوهسار و طراحی بنایی سازگار با بسترهای فرهنگی- اجتماعی محیط اطراف خود در محله کوهسار تهران است.

پیشینه پژوهش

حس تعلق به مکان عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می‌گردد. تعلق مکانی از لحاظ فرهنگی، منعکس کننده مولفه‌های اصلی حیات اجتماعی- فرهنگی است. علیرغم تنوع زیاد مقیاس مکان‌هایی که ممکن است مردم احساس تعلق بیشتری نسبت به آنها داشته باشند، بیشترین مطالعات صورت گرفته در این زمینه مربوط به مقیاس واحد همسایگی است. طور کلی میتوان گفت حس تعلق محله‌ای از جمله مباحثی است که نه تنها در ایران، بلکه در جهان کمتر مورد توجه قرار گرفته و منابع مکتوب اندکی از آن موجود است. این معضل به خصوص در ایران بیشتر رخ می‌نماید، چرا که شاید تعداد کتاب‌ها و پژوهش‌های که در این خصوص به چاپ رسیده بسیار اندک است.

در مطالعه ای که بر روی بیش از هزار فضای عمومی شهری در کشورهای مختلف جهان صورت گرفته است، نشان داده شده است که چهار عامل اساسی در سنجش مطلوبیت کیفی وضعیت فضاهای عمومی شهری از اهمیت بیشتری برخوردارند (www.pps.org) این عوامل عبارتند از: دسترسی و بهم پیوستگی، آسایش و منظر، استفاده‌ها و فعالیت‌ها، اجتماع پذیری، تحقیقات سامر نشان داد که فرم محیط اکولوژیک بر تأمل و تعامل بسیار تأثیرگذار است و حس مکان، مکث یا حرکت را به خوبی القا می‌نماید. فرم‌های مقعیراترین فرم‌ها بوده و با ایجاد حریم حس تعلق و مالکیت را افزایش می‌دهد و بیشتر به عنوان فضاهای مکث بلند مدت به کار می‌روند و تعامل در آن‌ها به دلیل چیدمان رو به افزایش است (فاضلیان و قاسمی، ۱۳۹۲: ۵۹). وارثی و همکاران در پژوهشی تحت عنوان بررسی و تحلیل مؤلفه‌های هویت شهری و رابطه آن با میزان تعلق مکانی ساکنین شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر گلپه‌هار) مؤلفه‌های هویت شهری متأثر از هویت فردی و گذشت زمان را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج این مطالعه نشان داد که فضای اجتماعی دلنشین و خودمانی در محله، ارتباطات انسانی را به وجود آورده و می‌تواند حس نزدیکی و همسایگی را در ساکنان یک شهر ایجاد کند. این فضاها به استفاده‌کنندگان امکان نظارت اجتماعی و کنترل رفتار دیگران را فراهم می‌کند که این خود خاطرات و تجربیات مثبت را به وجود می‌آورد (وارثی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۶). ابراهیمی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان سنجش حس تعلق محله‌ای و نقش آن در مشارکت اجتماعی در محله‌های شهر تهران مطالعه موردی: محله زینبیه با استفاده از روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه با استفاده از فن نمونه‌گیری تصادفی به بررسی حس تعلق محله‌ای و نقش آن در مشارکت اجتماعی پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که بین تعلق محله‌ای و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد به گونه‌ای که بین مشارکت اجتماعی ساکنین در محله زینبیه با تعلق خاطر آنان به این محله رابطه معنی‌دار قابل مشاهده است. نتایج تحقیق سرمست و متوسلی در تهران نشان می‌دهد که در جنوب شهر تهران در محلاتی که دارای سابقه و پیشینه مثبت بوده میزان حس تعلق به محله در اولویت اول و در محلاتی که وجهه عمومی مثبتی ندارند میزان حس تعلق به شهر تهران در اولویت اول می‌باشد. در مناطق مرکزی تهران اولویت با میزان حس تعلق به محله و واحد همسایگی و همچنین مقیاس شهر بیشتر از مقیاس‌های دیگر می‌باشد. در مناطق شمالی شهر، در محلات خوش نام و با سابقه ترجیح تعلق مکانی به محله و در اولویت بعدی منطقه شهری (شمال شهر) می‌باشد و در محلات با سابقه و معروفیت کمتر اولویت با منطقه و در رتبه بعدی محله می‌باشد (سرمست و متوسلی، ۱۳۸۹: ۱۳۳). مبارکی و صلاحی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان کیفیت خدمات شهری، تعهدات شهروندی و حس تعلق اجتماعی با استفاده از روش پیمایشی و پرسشنامه خودساخته با جامعه آماری ۱۵۰ نفر، از ساکنان بیش از ۵۱ سال منطقه ۵ شهرداری تهران به این نتیجه رسیده‌اند که بین عملکرد شهرداری و تعهدات شهروندی رابطه مثبت و معنی‌داری با تعلق اجتماعی دارد که کنترل اجتماعی غیررسمی محله‌های شهری را افزایش و انحرافات اجتماعی محلی را کاهش می‌دهد. وحیدا و نگینی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان ساخت و اعتباریابی مقیاس محله‌ای مورد مطالعه محله مرداوچ و عباس آباد شهر اصفهان با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی منظم و با استفاده از ابزار پرسشنامه در میان ۱۲۰ نفر از ساکنان ۴۰ سال به بالا در

محلات که به صورت مقایسه اجرا شده است، به بررسی هویت محله‌ای می‌پردازند. تحلیل مؤلفه‌های اصلی نشان می‌دهد که پرسشنامه هویت محله‌ای که از سه عامل حس تعلق به مکان، احساس امنیت و تعاملات اجتماعی تشکیل شده است بر اساس نتایج گزارش شده از مدل تحقیق، مقیاس هویت محله‌ای، مقیاس قابل قبولی برای اندازه‌گیری و سنجش است.

مبانی نظری

هرم نیازهای انسانی مازلو

بر اساس هرم نیازهای انسانی مازلو (نمودار ۱) احتیاجات افراد به دو گروه تقسیم می‌شود. دسته نخست نیازهای مادی و جسمانی است که در صورت ارضای این دسته، طیف دیگری از نیازها مطرح می‌شود که به بعد روحی و روانی زندگی انسان باز می‌گردد. بر این اساس یکی از نیازهای طفری انسان‌ها (از جمله شهروندان) نیاز به برقراری تعاملات و روابط اجتماعی است. بدین ترتیب از تعاملات و روابط اجتماعی هم به عنوان یک نیاز فطری و هم وسیله‌ای برای ارضای نیازهای دیگر نام برده می‌شود. هرگاه عملی از شخصی سرزند که با پاسخی از سوی فرد دیگر همراه باشد، اصطلاحاً به این عمل متقابل دو سویه، تعامل اجتماعی یا کنش متقابل اجتماعی گفته می‌شود. در این صورت میان این دو شخص، یک رابطه اجتماعی برقرار می‌شود (عباس‌زاده، ۱۳۹۱: ۵).

برای ارضای این نیازها، طبق نظر مازلو، انگیزش‌های انسان باید مورد توجه خاص قرار گیرد. این انگیزش‌ها می‌توانند مادی و یا معنوی باشند و با تغییر در این انگیزش‌ها است که ناگهان شکل‌ها و قابلیت‌های محیط معنا می‌یابند و یا معنای خود را از دست داده به نابودی می‌گرایند. در مدل مازلو توجه تنها به نیازهای پست بدلیل تنزل مقام انسان نکوهش شده است و شناخت انسان سالم را از طریق توجه به نیازهای عالی او امکان‌پذیر می‌داند. مدل ارائه شده در روانشناسی انسان‌گرای مازلو و تعمیم دادن آن بر رفتارهای انسان در فضاهای معماری و شهری می‌تواند سازوکار مناسبی برای تجزیه و تحلیل تعامل و ارتباط انسان و محیط ساخته شده بدست دهد. این مدل به معماران و طراحان شهری کمک می‌کند تا به علل شکل‌گیری مجتمع‌های زیستی و فضاهای معماری در ارتباط با نیازهای انسان توجه نمایند. (مطلبی، ۱۳۸۰: ۶۲)

مدل لنگ: نیازهای انسانی

محیط در تعریف جان لنگ شامل محتوای زمینی، جاندار، اجتماعی و فرهنگی است. هر کدام از این محیط‌ها زندگی مردم و ماهیت نگرش‌های آن‌ها را به محیط ساخته شده و انتظارات آن‌ها را از کار طراحان تحت تاثیر قرار می‌دهد. آنچه معماران خلق می‌کنند محیط بالقوه‌ای است برای رفتار انسان، و آنچه شخص استفاده و تحسین می‌کند، محیط موثر بر اوست. (Lang, ۱۹۶۱: ۸۵)

او بر این باور است که برای ساختن محیطی که نیازهای انسان را برآورده سازد، نخست باید ماهیت مسائل طراحی را شناخت، در واقع معماران و طراحان شهر به مدلی از نیازهای انسان محتاج هستند که پیچیدگی‌های رفتار آدمی را به گونه‌ای نظام‌وار توضیح دهد. مدلی که لنگ برای نیازهای انسانی در نظر می‌گیرد همان مدل ابراهام مازلو است که لنگ آن را جامع‌ترین مدل از سلسله مراتب نیازهای انسان

می‌خواند. به باور او محیط ساخته شده اگر به گونه‌ای درخور شکل بگیرد، می‌تواند جنبه‌هایی از نیازهای انسان، مانند بقاء، امنیت، تعلق، عزت، یادگیری و زیبایی‌شناسی را برآورده سازد. (پاکزاد، ۱۳۸۸: ۵۳۷) مطابق دیدگاه لنگ دو نمونه از مدل‌های نیازهای انسانی برای تبیین قابلیت‌های انسانی محیط ساخته شده مورد استفاده طراحان محیط قرار گرفته است: مدل مقیاس احساسات اصلی در رقابت الکساندر لیتون (۱۹۵۹) و سلسله مراتب نیازهای انسانی آبراهام مازلو (۱۹۵۴ و ۱۹۴۳) که شامل امنیت فیزیکی، ارضای جنسی، ابراز دشمنی، ابراز عشق، حفظ علایق شخصی، شناسایی شدن، بیان خودانگیختگی، تشخیص جایگاه خود و دیگران در جامعه، حفظ و مراقبت از عضویت در گروهی معین، تعلق به یک نظم معنوی می‌باشد. بعضی از این نیازها با قابلیت‌های ابزاری محیط مرتبطند (مثل امنیت و بیان خود انگیختگی) و بعضی دیگر در سطح قابلیت‌های نمادین محیط (مثل شناسایی و عضویت) مطرح هستند. این نیازها هم پیچیده‌اند و هم نظم و دسته‌بندی روشنی ندارند. از دیدگاه لنگ نیازهای یاد شده در چارچوب راهکارهای طراحی محیط قابل پاسخگویی است. طبقه بندی این راهکارها که هر کدام برای برآوردن نوع خاصی از نیازهای انسانی هستند، در جدول ۱ قابل مشاهده است:

جدول شماره (۱): نیازهای انسانی و راهکارهای طراحی جهت برآوردن آن‌ها بر اساس مدل لنگ

نیاز	راهکار طراحی
فیزیولوژیک	کیفیت مسکن، تسهیلات و تجهیزات کافی، آسایش (دما، آفتاب، باران، تنظیم شرایط اقلیم خرد) و حفظ تعادل بوم شناسی محل
ایمنی	کیفیت ایمنی معابر، امکان نظارت و مراقبت، نفوذ پذیری و قابلیت دسترسی و انعطاف پذیری فضاهای مسکونی
احساس تعلق	تامین تسهیلات اجتماعی، تقویت حس مکان، هویت، خوانایی، تناسب بصری
عزت نفس	کیفیت و چگونگی «مالکیت» اراضی و مستحذات، ایجاد حس فردیت و تعلق داشتن به مکان و گروه خاص
خودشکوفایی	شخصی سازی فضا و رعایت اصل تنوع در طراحی
شناختی و زیباشناختی	تامین امکان فعالیت های فرهنگی-تفریحی توسط طراحی شهری، خلق مناظر شهری و طبیعی خوب و ایجاد غنا در کیفیات محیطی.

ماخذ: گلکار، ۱۳۷۹: ۲۹

مدل کانتر: مولفه‌های مکان

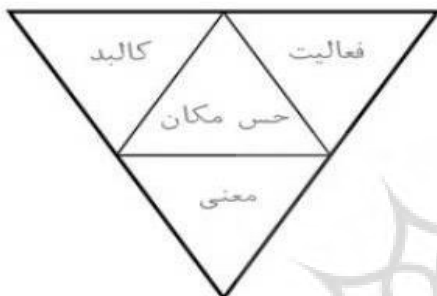
مدل مشهور دیوید کانتر از پیشگامان مطالعات ادراکی معماری و طراحی شهری، را می‌توان از دیگر چارچوب های نظری که قادر به تبیین مولفه‌های کیفیت طراحی محیط‌های مسکونی شهری است، محسوب نمود. بر اساس مدل مزبور که به مدل مکان شهرت دارد، محیط مسکونی شهری به مثابه یک مکان متشکل از سه بعد در هم تنیده‌ی «کالبد»، «فعالیت‌ها» و «تصورات» است. جذابیت و کارایی مدل کانتر باعث شده است که تا دیگر صاحب نظران طراحی شهری نیز با الهام یا اقتباس از آن روایت‌های متنوعی از این مدل ارائه دهند. به عنوان مثال مدل «حس مکان» جان پانتر را که بر سه گانه بودن مولفه‌های دخیل در خلق حس مکان دلالت دارد، می‌توان از روایت‌های فرعی مدل کانتر دانست. بر اساس مدل جان پانتر سه مولفه «کالبد»، «فعالیت» و «معنی» در خلق حس مکان دخیل می‌باشند که به نحو قابل ملاحظه‌ای با سه مولفه‌ی

پیشنهادی کانتر تشابه دارند (گلکار، ۱۳۷۹: ۳۱). براساس مدل پانتر سه مولفه «کالبد»، «فعالیت» و «معنی» در خلق حس مکان دخیل هستند که به نحو قابل ملاحظه ای با سه مولفه پیشنهادی کانتر یعنی «کالبد»، «فعالیت» و «تصورات» تشابه دارند. (همان: ۳۲)

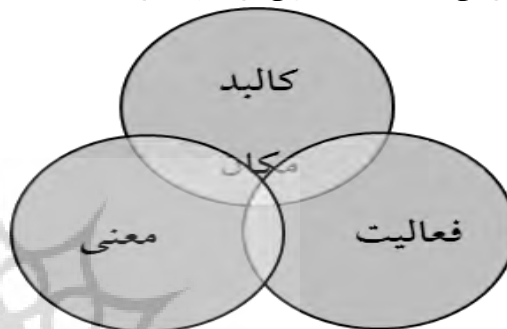
شکل شماره (۲): حس مکان (جان پانتر-۱۹۹۱)

شکل شماره (۱): مولفه های سه گانه کیفیت

طراحی محیط‌های مسکونی در مدل کانتر



منبع: همان: ۳۲



منبع: گلکار، ۱۳۷۹: ۳۱

مفهوم و ماهیت محله

همانند دیگر مفاهیم مرتبط با شهر، در تعریف محله نیز تنوع زیادی به چشم می‌خورد. این موضوع ناشی از تلاش رشته‌های مختلف در تعریف این مقوله است. تعاریف ارائه شده توسط متخصصین مختلف دارای وجوه اشتراک و افتراق است. اغلب این متخصصین در تعریف خود یا برعوامل کالبدی و فیزیکی محله و یا برعوامل اجتماعی و فرهنگی تأکید کرده اند، البته این موضوع ناشی از ماهیت خود محله است که ماهیت اجتماعی و کالبدی را توأماً دارد. از طرفی مفهوم محله در هر کشوری تعریفی خاص دارد (ربانی، ۱۳۸۵: ۱۵۶).

مفهوم محله در برنامه‌ریزی و طراحی شهری از آن روی جایگاه ویژه می‌یابد که با القای هویت به آن می‌توان حس تعلق به مکان و به نوعی حس مکان و هویت شهروندان را تقویت نمود. سهم مهمی از سطح شهرها را ساختمان‌ها و محله‌های مسکونی می‌پوشاند؛ از این رو کیفیت آن‌ها تأثیر مهمی در سیما و منظر عمومی شهر دارد. در نگاه اول هر شهر را از ویژگی‌های محله‌های مسکونی آن می‌توان شناخت. روند توسعه‌های موجود در شهرهای ما، به ویژه شهرهای بزرگ نشان می‌دهد که محله‌های مسکونی به دلیل توسعه نابسامان و مغشوش، در معرض از دست دادن شخصیت و هویت دیرینه خود قرار گرفته اند.

نخست شاخص تصویر ذهنی مطلوب که لینچ (۱۳۵۰) آن را بیان نمود؛ «صحنه ای که روشن، زنده و پیوسته باشد نه تنها می‌تواند تصویری دقیق به وجود آورد، بلکه خود نقشی اجتماعی نیز به عهده دارد. می‌تواند برای سمبل‌ها خاطرات مشترک و مجتمع ارتباطات دسته جمعی آدمیان، ماده خام فراهم آورد.» (لینچ، ۱۳۵۰: ۱۵) وی هویت مکان را در سبب داشتن تصویر ذهنی مطلوب از آن بیان می‌کند و با ذکر این نکته که تصاویری که از محیط در ذهن ناظر به وجود می‌آید حاصلی دو جانبه بین ناظر و محیط است، به بیان عواملی از سیمای شهر که در خوانایی و حس مکان موثر اند می‌پردازد و آن‌ها را راه، گره، لبه، نشانه و محله

معرفی می‌کند. شاخص بعدی نیز که در روشن به نظر رسیدن تصاویر شهر در ذهن مردم (خوانایی) موثر می‌باشد، جهت یابی است که به مفهوم توانایی یک فرد در پیدا کردن مسیر یا توانایی مسیر در نشان دادن خود به انسان است. «(فلاح، ۱۳۸۵: ۶۰) که لینچ از آن یاد کرده است. سومین شاخص تمایز مکانی است؛ لینچ هویت یک مکان را صرفاً چیزی می‌داند که باعث تمایز یا فردیت آن از سایر مکان‌ها می‌شود و به عنوان مبنای شناخت مکان بکار می‌رود، بدان معنا که هر مکان، نشان منحصر به فردی دارد و قابل شناسایی است (رلف، ۱۳۸۹: ۶۰).

خاطره‌انگیزی شاخص دیگری است که قرار است در این پژوهش سنجیده شود؛ بنا بر گفته استیل بعضی از فضاها آن چنان روح مکان قوی دارند که بر انسان‌های مختلف تأثیرات مشابه می‌گذارند، به این ترتیب که فرد با دیدن یک بنای تاریخی، رنگ، بو، صدا یا فرمی خاص به یاد خاطره‌ای می‌افتد (فلاح، ۱۳۸۵: ۶۲) و در واقع مکان برایش دارای معنا می‌شود. شاخص بعدی علاقه‌مندی به بازگشت به مکان است (فلاح، ۱۳۸۴) بدین معنی که بعضی از مکان‌ها آن چنان جاذبه‌ای دارند که به فرد نوعی احساس وصف‌نشده القا کرده و او را سرزنده، شاداب و علاقه‌مند به بازگشت به آن مکان‌ها می‌کنند که باعث به وجود آمدن حس مکان در فرد می‌شود.

به یادماندنی بودن مکان شاخص دیگری است که (کیب، ۲۰۰۰) آن را بیان نموده؛ از نظر او بهترین مکان‌ها به یادماندنی هستند و شخصیتی دارند که مردم می‌توانند به راحتی آن‌ها را درک کرده و از آن لذت ببرند، بنابراین در صورتی که فرد وارد یک مکان شود و به واسطه صفات و ویژگی‌هایی که در آن می‌یابد، آن مکان در ذهن وی ثبت شود و در هر مکان دیگری از آن مکان خاص با همان ویژگی‌های خاص یاد کند، آن مکان برای وی به یادماندنی است. شاخص بعدی تداوم حضور در مکان (شامای، ۱۹۹۱) است که یکی از عوامل ادراکی است که موجب حس مکان می‌شود، حس مکان باعث تداوم و پایداری حضور می‌شود به این معنا که مکان برای فرد، خسته‌کننده و یکنواخت نیست و در هر نقطه از فضا عوامل کالبدی جالب توجهی می‌یابد که باعث سرزندگی وی شده و او را به ادامه راه تشویق می‌کند. آخرین شاخص از معیار حس مکان، احساس امنیت است که این دیدگاه را (کانتر، ۱۹۷۱) بیان کرده است. حس مکان و تعلق مکان باعث می‌شود که فرد خود را جزئی از مکان بداند و آن فضا را با خود یکی بپندارد و به آن فضا احساس تعلق داشته باشد، بنابراین از بودن در آن فضا احساس امنیت می‌کند و چون خود را متعلق به آن می‌داند احساس خطر نمی‌کند.

نکته دیگر که باروح ایرانی محله‌سازگاری بیشتری دارد، محله از تجمع، پیوستگی کم یا زیاد، معاشرت نزدیک، روابط محکم همسایگی و اتحاد غیررسمی میان گروهی از مردم به وجود می‌آید محله، متشکل از خانه‌های مجاور هم در یک فضای جغرافیایی خاص است و خانواده‌ها نسبت به محله خود همان احساس خانه مسکونی خود را دارند و با ورود به محله، خود را در یک محیط آشنا و مانوس می‌یابند (شکویی، ۱۳۷۲: ۴۸-۵۰).

کاربری سرای محله

در عصر ارتباطات و جهانی شدن، روند گسست فضا و مکان نیز شتاب بیشتری گرفت و رشته‌های پیوند زنده فضای اجتماعی یا مکان را پاره کرد؛ بدین ترتیب امر اجتماعی از دایره تنگ و محدود مکان رها شده، در فضایی بسیار فراخ گسترش یافت. در پی این فرآیند، رابطه میان مکان‌های زندگی افراد با هویت‌های آنان دگرگون شد. (سرمست، ۱۳۸۹: ۱۳۶) در جامعه امروز شهری، برای دستیابی به توسعه پایدار شهر، محلات بنیادی‌ترین عناصر شهری و حلقه واسط بین شهر و شهروندان می‌باشند. با تحولات سیاسی و دگرگونی‌های اقتصادی و اجتماعی و پدیده مهاجرت و به وجود آمدن شهرهای بزرگ و نفوذپذیری فرهنگ غربی و محله رفته رفته ساختار و کارکردهای دیرینه خود را از دست داد و به منطقه یعنی واحدی که دولت برای اجرای برنامه‌های خود بر ساخته است تبدیل شد.

در چنین جمعی افراد با داشتن فرهنگ‌ها و عادات و آداب گوناگون و... بر حسب اتفاق در کنار یکدیگر سکنی گزیده و خود را در برابر دولت طلبکار می‌دیدند و به جای آنکه خود را در امور سهیم بدانند از دولت می‌خواهند تمام مشکلات را حل کند.

اما در محله‌های مختص سکونت طبقه پر درآمد، روابط همسایگان تضعیف شده و کمتر به آن احساس نیاز می‌شود. در محله‌های قدیم عمده زمان ساکنان محل، در کوچه و خیابان می‌گذرد و برای ساکنان آن محیط محله بیش از فضای داخلی خانه رضایت بخش بوده است ولی امروزه خیلی از ساکنان در چارچوب خانه خود محصور شده و دیگر از آن محله‌های قدیمی خبری نیست. رشد شهرنشینی و تمایل جمعیت‌های انسانی به محیط‌های شهری بستر با اهمیت شدن مفهوم کیفیت زندگی شهری را بیش از پیش فراهم ساخته است (جعفری، ۱۳۹۱: ۵۲).

مدرن‌یسم در ایران از آغاز سال‌های ۱۳۰۰ خورشیدی با تصویب قانون شهرداری و قانون توسعه معیار پیکره بافت‌های محلات مسکونی شهرسازی کهن ایران را شکافته و با سرعتی روز افزون الگوهای واحد همسایگی برگرفته از شهرسازی غربی را جایگزین محلات ایرانی می‌کند. روندی که با خیابان‌های چلیپایی آغاز و در طی چند دهه بدون توجه به پیشینه شهرسازی ایران و زیر ساخت‌های اجتماعی به طرح‌های جامع و تفضیلی بی‌روح در سطح انبوه می‌رسد. این در حالی است که از نظر اوژه با از بین رفتن مکان‌ها، اندر کنش‌های گفتگو مدار، جای خود را به نشان‌های خاموش می‌دهند. در این میان رابطه میان مکان و هویت و تعلقات اجتماعی تحول و نه قطع به واسطه از بین رفتن مکان رخ می‌دهد (سرمست، ۱۳۸۹: ۱۳۶)

پاسخگویی به نیازهای اجتماعی انسان و تامین فرصت‌های لازم در زمینه کسب تجارت اجتماعی وی، مستلزم وجود قرارگاه و فضای کالبدی است و فضای عمومی ظرفیتی عظیم در پاسخ به این جنبه از حیات انسان در جوامع شهری محسوب می‌شود (دانشپور و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۹) در سرای محله فضای شهری حیطة ای کالبدی یافته است و به عنوان صحنه کنش متقابل که دارای مرزهای معینی است، امکان تمرکز کنش‌های اجتماعی متعامل را به هر شیوه ای میسر می‌سازد. بنابراین کنش متقابل انسانی در درون فضایی رخ می‌دهد که به طور کالبدی و اجتماعی تعریف شده باشد. حضور این فضای اجتماعی تعریف شده تاثیر بسیار زیادی

در تسهیل کنش‌های متقابل مردمان خواهد داشت، امری که خود از بنیادی‌ترین پایه‌های حیات مدنی است. (جعفری، ۱۳۹۱: ۵۲)

حس مکان؛ رویکرد پژوهش

از دیدگاه پدیدارشناسانه، مکان چیزی بیش از یک محل انتزاعی است؛ مکان، کلیتی است که از اشیاء و چیزهای واقعی ساخته شده است، مکان زمینه‌ای برای فعالیت هاست و عموماً دارای هویت شناختی بوده در برگیرنده عوالم اجتماعی متنوع و دارای تاریخی که گذشته، حال و آینده را به هم می‌پیوندد (پرتوی، ۱۳۸۲: ۴۲).

جامعه‌شناسان و به ویژه انسان‌شناسان همواره بر این نکته تأکید کرده‌اند که مکان، محل و سرزمین برای مردم بسیار اهمیت دارند، چرا که توانایی هویت‌سازی بسیار بالایی دارند. حس تعلق به مکان در درجه نخست به معنای خاص و متمایز بودن، ثابت و پایدار ماندن (تداوم داشتن) و به جمع تعلق داشتن است. به عبارتی روشن‌تر، مرزپذیری و قابل‌تحدید بودن مکان این امکان را فراهم می‌کند که انسان‌ها با احساس متمایز بودن، ثبات داشتن و تعلق به جمع داشتن، امنیت و آرامش لازم را برای زندگی کسب کنند. هراندازه این مرزها و تفاوت‌های مبتنی بر آن‌ها شفاف‌تر و دقیق‌تر باشد، نیاز به متمایز بودن از دیگران به خوبی تأمین می‌شود. از آن‌جا که ترسیم چنین مرزها و تفاوت‌هایی روی قلمرو مکانی و بازتولید و حفظ آن‌ها آسان‌تر است، مکان و سرزمین به صورت بستری بسیار مناسب برای هویت‌سازی و تداوم بخشیدن به هویت و احساس تعلق داشتن به مکان در می‌آید (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۲۳۰).

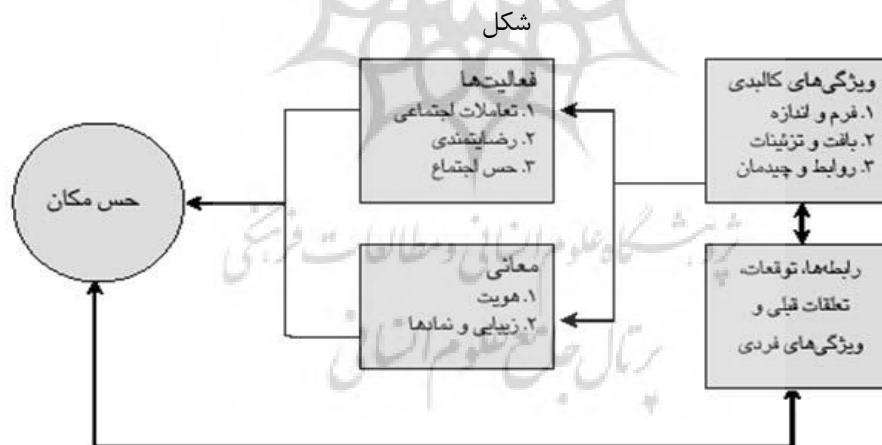
حس مکان، به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم و بیش آگاهانه آن‌ها از محیط است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می‌دهد؛ به طوری که فهم و احساسات فرد با زمینه معنایی محیط پیوند می‌خورد و یکپارچه می‌شود. این حس، عاملی است که موجب تبدیل فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه‌ای برای افراد خاص می‌گردد. علاوه بر این، حس مکان، باعث دستیابی به هویت برای افراد می‌شود (انصاری و همکاران، ۱۳۹۲: ۶).

محیط علاوه بر عناصر کالبدی شامل پیام‌ها، معانی و رمزهایی است که افراد آن‌ها را ادراک و در مورد آن قضاوت می‌کنند که در نهایت حس کلی که از محیط در افراد به وجود می‌آید حس مکان نام دارد. حس مکان عامل مهمی در هماهنگی فرد و محیط بوده و باعث بهره‌برداری بهتر از محیط، رضایت استفاده‌کنندگان و در نهایت احساس تعلق آن‌ها با محیط و تداوم حضور در آن می‌شود (حبیبی، ۱۳۸۷: ۴۳).

پژوهش‌های انجام شده درباره محیط‌های مصنوع نشان می‌دهد که محیط، علاوه بر عناصر کالبدی، شامل پیام‌ها، معانی و رمزهایی است که مردم بر اساس نقش‌ها، توقعات، انگیزه‌ها و دیگر عوامل آن رمزگشایی و درک می‌کنند (راپاپورت، ۱۳۸۸) و در مورد آن به قضاوت می‌پردازند. این حس کلی که پس از ادراک و قضاوت نسبت به محیط خاص در فرد به وجود می‌آید، حس مکان نامیده می‌شود که عامل مهمی در هماهنگی فرد، محیط و رضایت استفاده‌کنندگان و در نهایت احساس تعلق آن‌ها با محیط دارای هویت و تداوم حضور در آن می‌شود.

شولتز، در تحلیل خود از مفهوم حس مکان، اصطلاح اسکان را برای نشان دادن ارتباط کلی انسان و مکان در شرایطی که حس مکان جاری است، مطرح می‌کند و می‌گوید که وقتی انسان در مکانی است، همزمان، هم در فضا جا می‌گیرد و هم در معرض خصلت محیطی خاص آن است که از آن به عنوان شخصیت مکان یاد می‌کند. شخصیت مکان، یکی از مهم ترین عوامل تأثیرگذار بر حس مکان است که نه تنها به محل جغرافیا یی اشاره دارد، بلکه نشان دهنده کاراکتر اصلی سایت مورد نظر است که موجب تمایز آن از سایر جاها می‌شود. وقتی انسان در جایی است با در معرض حس مکان یا روح مکان قرار گرفتن، درگیر دو عمل روانشناختی می‌گردد که شولتز از آن ها با عنوان جهت یابی و این همانی کردن یاد می‌کند. انسان، برای تحصیل پایگاه وجودی خود و ایجاد حس مکان برای برقراری رابطه ای کامل با مکان، باید بتواند خودش را جهت یابی کند و بداند که کجاست. همچنین باید بداند که چگونه در مکان خاصی قرار دارد (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۸: ۵). بدین ترتیب شولتز، در رو کیرد پدیدارشناسانه با مطرح کردن مفهوم حس مکان یا روح مکان نوعی ارتباط متقابل، بین انسان و مکان را مطرح می‌کنند. با توجه به مفهوم حس مکان در دیدگاه های مختلف و سطوح مختلف حس مکان، عوامل شکل دهنده حس مکان را می‌توان در دو گروه عوامل ادراکی شناختی و عوامل کالبدی بیان کرد.

شکل شماره (۳): حس مکان و عوامل تأثیرگذار بر آن



ماخذ: فلاحت، ۱۳۸۵

جدول شماره (۲) : نظریه‌های برجسته در باب حس مکان

نظریه پرداز	عوامل ادراکی شناختی در باب حس مکان
هیومن ۱۹۹۲	ادراک فردی مردم از محیط خود و احساسات آن‌ها از آن محیط به دست می‌آید. این ادراک، شخص را به گونه‌ای با محیط پیوند می‌دهد که فهم و احساس انسان با زمینه معنایی محیط به یکپارچگی می‌رسد.
استیل ۱۹۸۲	۱- رابطه انسان و مکان تعاملی است؛ یعنی انسان چیزهای مثبت یا منفی را به محیط می‌دهد و سپس از آن می‌گیرد. چگونگی فعالیتها اهمیت می‌یابد. ۲- تصور مکان هم کالبدی و هم روانی(تعاملی) است. برخی از چیزهایی که انسان در مکان ایجاد می‌کند، مستقل از او نیستند. ۳- برخی از فضاها به دلیل وجود روح مکان قوی، بر انسان‌های مختلف تأثیرات مشابهی می‌گذارند. انسان به مکانی که در آن زندگی می‌کند، مجموعه‌ای از مفاهیم فرهنگی می‌دهد و این مفاهیم راهی را که انسان با مکان مواجه می‌شود، شکل می‌دهد.
نظریه پرداز	عوامل کالبدی در باب حس مکان
زو ۱۹۹۵	ساختارهای معنایی فضا و محیط ساخته شده برای ایجاد مجموعه‌هایی از کیفیات خاص و به وجود آمدن حس مکان نقش دارند. حس مکان، به نگرش‌ها، جهان‌بینی‌ها و پیوند افراد با مکان مانند نام مکان، حکایات مربوط به مکان، تجربه‌های مکان و پیوندهای معنوی با مکان بستگی دارد. زو، سه متغیر اصلی حس مکان را خوانایی، ادراک محیط بصری و هماهنگی قرارگاه رفتاری با محیط بصری میدانند.
شولتز ۱۹۹	حس مکان در مکان‌ها یی یافت م‌شود که دارای شخصیت مشخص و متمایز هستند و شخصیت محیطی از چیزهای ملموس ساخته شده که دارای مصالح، شکل، بافت و رنگ است
لینچ، ۱۳۷۶	حس مکان عاملی است که میان انسان و مکان، ارتباط برقرار م‌کند و وحدت به وجود م‌آورد. فضا باید هویت قابل ادراکی داشته باشد و قابل شناسایی و به یاد ماندنی و نمایان باشد تا حس مکان ایجاد کند. این نوع حس مکان، میتواند احسا تعلق نیز به همراه داشته باشد.
استیل ۱۹۸۲	مهم‌ترین عوامل کالبدی مؤثر در ادراک و حس مکان، اندازه مکان، درجه محصوریت، تضاد، مقیاس، تناسب، مقیاس انسانی، فاصله، بافت، رنگ، بو، صدا و تنوع بصری است. همچنین خصوصیات نظیر هویت، تاریخ، تخیل و توهم، راز و رمز، لذت، شگفتی، امنیت، سرزندگی، شور و خاطره را موجب برقراری رابطه متمرکز با مکان می‌داند. عوامل مختلفی چون ب‌یحوصلگی، یکنواختی ساختمانها و ظهور عصر دیجیتال تهدیدی برای حس مکان محسوب می‌شود. (Salvesen, 2002) از نظر استیل، شخصیت کالبدی، مالکیت، اصالت، ساکنان و وسایل رفاهی، طبیعت مانند آب، گیاهان، آسمان، خورشید و فضاهای خصوصی و جمعی، اجزای تشکیل‌دهنده مکان هستند، که در خلق حس مکان مؤثرند.

ماخذ: انصاری و همکاران، ۱۳۹۲: ۷

روش پژوهش

همانطور که پیش از این اشاره شد هدف اصلی این پژوهش شناخت مجموعه عوامل کالبدی موثر بر ارتقاء حس تعلق در فضاهای عمومی و ارائه راهکارهایی است که بر اساس آن حس تعلق را به واسطه طراحی سرای محله در محله کوهسار تهران افزایش داد. در مرحله ادبیات پژوهش و ارائه راهکارها دو حوزه عمده اجتماعی و فنی مد نظر بوده است. شناخت ویژگی‌های کالبدی موثر در ارتقاء حس تعلق از بعد اجتماعی و توجه به معماری همخوان با محیط از نظر فنی مورد توجه بوده است. از اینرو روش تحقیق بر اساس هدف، از نوع کاربردی و براساس روش و ماهیت، توصیفی-تحلیلی است.

در مرحله شناخت و تحلیل، روش گردآوری آمار و اطلاعات شامل: مطالعات کتابخانه‌ای (کتاب‌ها، مجلات تخصصی معتبر، مقاله‌ها و شبکه اینترنتی) و مطالعه دقیق بر روی سوابق و مطالعات مشابه خارجی و داخلی و مراجعه به مراکز علمی و تحقیقاتی دانشگاه‌ها، مراکز اداری و سازمان‌ها می‌باشد و روش مورد استفاده برای گردآوری اطلاعات مربوط به نمونه موردی مطالعات میدانی شامل عکسبرداری متوالی و فیلمبرداری و تهیه کروکی می‌باشد.

ابزار گردآوری اطلاعات در مرحله شناخت و تحلیل استفاده از نرم‌افزارهای فیش برداری از قبیل OneNote مجموعه آفیس و بانک‌های اطلاعاتی و شبکه‌های کامپیوتری و برای بررسی نمونه موردی مطالعه استفاده از پرسشنامه، مصاحبه در محل، تهیه کروکی، جداول ارزیابی، دوربین عکسبرداری، دوربین فیلم برداری و استفاده از نرم‌افزارهای کامپیوتری می‌باشد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و استفاده از برخی نرم‌افزارهای مرتبط از قبیل Excel, SPSS و در انجام تحلیل‌های برای تحلیل وضعیت محله بهره گرفته می‌شود و در گام بعد با آزمون الگوی پیشنهادی، نتایج نهایی حاصل و آلترناتیوهای دیگر از مدل‌سازی با نرم‌افزارهای مرتبط طراحی معماری ارائه خواهد شد.

برای بررسی فرضیات در این پژوهش از روش تحقیق پیمایشی، در بستری از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی بهره گرفته شده است. در مرحله مطالعات و تبیین و بازشناسی الگوی فضای باز شهری بر اساس تکنیک تحلیل محتوا، انجام گردیده است. پس به منظور آزمون فرضیه، پرسش‌نامه‌ای استاندارد تهیه شده و جامعه آماری مورد نظر پرسش قرار گرفته شده است.

جامعه آماری مورد بررسی افراد ساکن در محله و استفاده‌کنندگان از فضاهای محله می‌باشد. نمونه‌گیری از ساکنان و شاغلان محله کوهسار انجام شده و گزینش ساکنان تصادفی بوده است به این صورت که گیرد. ۹۶ پرسشنامه به طور کامل از پاسخ‌دهندگان دریافت و تحلیل شد. به منظور جمع‌آوری اطلاعات علاوه بر پرسشنامه‌هایی که در اختیار جامعه آماری مورد نظر قرار خواهد گرفت، از مصاحبه حضوری و تحلیل آن به منظور درک بهتر بهره گرفته شده است. بنابراین برای تجزیه و تحلیل مشاهدات و بررسی تایید یا رد سوالات تحقیق از آماره استیودنت (تی) استفاده می‌کنیم. ضمناً تحلیل‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شده است. پرسشنامه در سه بخش، شامل ۲۸ سوال است. بخش نخست مربوط به اطلاعات شخصی فرد پرسش شوند، بخش دوم مربوط سوالات بسته پاسخ و بخش سوم سوالات با پاسخ باز است. به صورت خلاصه در طراحی پرسشنامه به این صورت عمل شد که برای هر یک از شاخص‌ها تعدادی پرسش در قالب پرسشنامه طرح گردید. (شماره هر یک از پرسش‌ها در پرسشنامه در قالب جدول معرفی شده است). سپس پرسشنامه‌ها در میان شهروندان توزیع و اطلاعات آنها جهت ارزیابی شرایط محیطی محدوده مطالعه استخراج و تحلیل گردید. برای انجام تعیین حجم از روش شارل کوکران استفاده شده است. که در نتیجه تعداد حجم نمونه ۹۶ استخراج شده است (فتحی، ۱۳۹۲: ۱۲۲)

شناخت محدوده طرح

ناحیه کوهستانی اوین و کوهسار در شمال غربی تهران. بین طول جغرافیایی ۵۱ درجه و ۲۶ دقیقه و عرض جغرافیایی ۳۵ درجه و ۴۸ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۵۴ دقیقه واقع شده است. ناحیه مورد نظر به عنوان بخشی از ناحیه کوهستانی البرز مرکزی از شرق به تپه‌های علی‌آباد ولنجک، از غرب به ارتفاعات حصارک، از شمال به ارتفاعات توچال و شاه‌نشین و از جنوب به ناحیه اوین و سعادت آباد محدود می‌گردد.

شکل شماره (۴) محل قرارگیری محله کوهسار در شهر تهران



شناخت بستر و سایت طراحی

محله کوهسار علی‌رغم قدمت و ویژگی‌های طبیعی مناسب فاقد سرای محله است. از این بابت این محله برای طراحی سرای محله انتخاب شده است. سایت پروژه در بخش مرکزی محله و دارای مساحت ۸۱۵۰ مترمربع است. این سایت دارای کشیدگی شمال غربی-جنوب شرقی است و توسط معابر محله محدود شده است.

یافته های تحقیق

صرف برطرف کردن نیازهای عملکردی انسان (شرط لازم هر فضا) برای حس مکان کافی نیست. در هر محیطی نه تنها دسترسی به مکان‌ها باید میسر باشد، بلکه باید هر مکان هویتی داشته باشد که در نظر آوردن و درک ذهنی آن ممکن باشد. مراد از این سخن این است که مکان‌ها باید قابل شناسایی، خاطره‌انگیز و سرزنده و پرهیجان باشند. همه آن چه گفته شد در مقایسه با یک فضای شهری که دارای هویت و خوانایی می‌باشد بیش از بیش نمایان می‌گردد.

جدول شماره (۴) : عناصر و ترکیبات موثر در شکل‌گیری حس تعلق به مکان

شاخص‌ها	عناصر و ترکیبات موثر در شکل‌گیری حس مکان
خاطره انگیزی	عناصر خاطره انگیز (ابنیه تاریخی، بو و صدا)
به یاد ماندنی بودن	تمرکز پاره ای فعالیت‌ها یا تاسیسات در امتداد یک خیابان، خاطره
علاقه مندی به بازگشت به مکان	عناصر خاطره انگیز (ابنیه تاریخی)، مجاورت با حرم مطهر
تداوم حضور در مکان	تنوع کاربری‌ها و سرزندگی مکان
تمایز مکانی	قائل شدن ویژگی خاص برای محله (قدیمی یا نوساز بودن محله)
جهت یابی	عناصر سیمای شهر (راه، لبه، گره، نشانه و محله)، بو و صدا، سیستم شطرنجی خیابان‌ها، فرم بنای ساختمان
تصویر ذهنی مطلوب	وضوح بصری (خوانایی)، سابقه تاریخی
احساس امنیت	روشنایی، باز بودن فضا، ایمنی سواره و پیاده و حضور افراد در فضا

منبع : نگارندگان ، ۱۳۸۵

جدول شماره (۵) : عناصر و ترکیبات موثر در شکل‌گیری حس تعلق به مکان

شاخص‌ها	عناصر و ترکیبات موثر در شکل‌گیری حس مکان
خاطره انگیزی	عناصر خاطره انگیز (ابنیه تاریخی، بو و صدا)
به یاد ماندنی بودن	تمرکز پاره ای فعالیت‌ها یا تاسیسات در امتداد یک خیابان، خاطره
علاقه مندی به بازگشت به مکان	عناصر خاطره انگیز (ابنیه تاریخی)، مجاورت با حرم مطهر
تداوم حضور در مکان	تنوع کاربری‌ها و سرزندگی مکان
تمایز مکانی	قائل شدن ویژگی خاص برای محله (قدیمی یا نوساز بودن محله)
جهت یابی	عناصر سیمای شهر (راه، لبه، گره، نشانه و محله)، بو و صدا، سیستم شطرنجی خیابان‌ها، فرم بنای ساختمان‌ها و نوع فعالیت‌های رایج در آن‌ها
تصویر ذهنی مطلوب	وضوح بصری (خوانایی)، سابقه تاریخی
احساس امنیت	روشنایی، باز بودن فضا، ایمنی سواره و پیاده و حضور افراد در فضا

منبع : نگارندگان ، ۱۳۸۵

بررسی وضعیت حس تعلق اجتماعی و زیرفاکتورهای آن

برای بررسی ارتباط بین متغیرهای پژوهش لازم است تا میزان همبستگی این متغیرها سنجیده شود. تحقیقات همبستگی، شامل کلیه تحقیقاتی است که در آنها سعی می‌شود رابطه بین متغیرهای مختلف با استفاده از ضریب همبستگی، کسف یا تعیین شود. (دلاور، ۱۳۹۰: ۱۹۹) در این پژوهش برای بررسی فرضیات همبستگی میان پاسخهای مربوط به معیارهای تنوع فرم و فضایی، سن، جنسیت و مدت سکونت همچنین میزان علاقه به عناصر طبیعی و معیارهای عینی سنجیده شده است.

در تحلیل ضریب همبستگی، مقدار ضرایب همبستگی بین ۱- و ۱+ در نوسان است. هر دو عدد بیانگر رابطه کامل بین متغیرهاست و عدد صفر نشان دهنده عدم وجود رابطه است. رابطه مثبت بیانگر این است که آزمودنی‌هایی که از یک متغیر امتیاز بالایی را کسب کرده‌اند، از متغیر دیگر نیز مقادیر بالایی را کسب می‌نمایند و رابطه منفی نیز بیانگر آن است که آزمودنی‌هایی که از یک متغیر امتیاز بالایی را می‌گیرند،

در این پژوهش برای سنجش همبستگی میان متغیرهای مورد مطالعه از روش همبستگی گشتاوری پیرسون استفاده شده است. این روش زمانی به کار می رود که متغیرهای مورد مطالعه (دو متغیری که قصد محاسبه ضریب همبستگی بین آن‌ها را داریم) به صورت پیوسته باشد. (دلاور، ۱۳۹۰: ۲۱۱) در تفسیر اندازه ضرایب همبستگی نیز می توان گفت همبستگی‌هایی که ضرایب آنها بین ۰/۲۰ تا ۰/۳۵ است، نشان دهنده همبستگی بسیار پایینی در بین متغیرها هستند، حتی اگر ضرایب مورد بحث از نظر آماری معنادار باشد، ضریب ۰/۲۰ فقط ۴ درصد از تغییرات مشترک بین دو متغیر را تبیین می کند. ضرایبی که در دامنه فوق قرار دارند فقط در تحقیقاتی که هدف آنها کشف روابط بین متغیرها است مفید واقع می شوند و در تحقیقات پیش بینی هیچگونه ارزشی ندارند. همبستگی‌هایی که ضرایب آنها بین ۰/۳۵ تا ۰/۶۵ قرار دارند، غالباً از نظر آماری در سطح ۰/۰۱ معنادار هستند. با ضریب همبستگی ۰/۵ امکان پیش بینی موفقیت آمیز گروهی وجود دارد. ضریب همبستگی ۰/۵ تنها می تواند ۲۵ درصد از تغییرات مشترک بین متغیرها را تبیین کند. کاملاً روشن است که اینگونه پیش بینی‌ها با خطا همراه است. ضرایبی که در دامنه مورد بحث قرار دارند، وقتی قابل استفاده هستند که با متغیرهای دیگری ترکیب شوند. ترکیب متغیرهایی که ضرایب آنها بین ۰/۳۵ تا ۰/۶۵ قرار دارند، با قبول چند درصد خطا در پیش‌بینی‌های فردی قابل استفاده‌اند.

با همبستگی‌هایی که ضرایب آن‌ها بین ۰/۶۵ تا ۰/۸۵ قرار دارد می توان پیش بینی گروهی دقیق انجام داد. با افزایش ضریب همبستگی در این دامنه، دقت پیش بینی گروهی نیز به همان نسبت افزایش پیدا می کند. با ضرایب همبستگی بالا در این محدوده (۰/۶۵ تا ۰/۸۵) امکان پیش بینی انفرادی دقیق نیز وجود دارد. ضرایب همبستگی بالای ۰/۸۵ نشان دهنده همبستگی بسیار نزدیک در بین متغیرها هستند. در تحقیقات علوم انسانی به ندرت می توان به این ضریب (۰/۸۵) دست یافت. (دلآوری، ۱۳۹۰: ۲۳۲-۲۳۳) در مرحله نخست جهت سنجش میزان حس تعلق محله‌ای در پرسشنامه، همبستگی متغیر سن، مدت اقامت و تحصیلات با میزان احساس دلبستگی در پرسش شوندگان بررسی شد. ضریب همبستگی پیرسون میان سن و مطلوبیت و دلبستگی ۰/۳۱۱ استخراج شده است. همانطور که پیش از این گفته شد، در تفسیر اندازه ضرایب همبستگی نیز می توان گفت همبستگی‌هایی که ضرایب آنها بین ۰/۲۰ تا ۰/۳۵ است، نشان دهنده همبستگی بسیار پایینی در بین متغیرها هستند از اینرو میان سن و حس تعلق در محله کوهسار رابطه معناداری برقرار نیست.

جدول شماره (۶) : ضریب همبستگی پیرسون میان دو متغیر سن و مطلوبیت و دل بستگی

		سن	مطلوبیت و دل بستگی	
Spearman's rho	سن	Correlation Coefficient	.۳۱۱**	
		Sig. (۲-tailed)	.۰۰۲	
		N	۹۶	
	مطلوبیت و دل بستگی	Correlation Coefficient	.۳۱۱**	۱.۰۰۰
		Sig. (۲-tailed)	.۰۰۲	.
		N	۹۶	۹۶

منبع : نگارندگان ، ۱۳۸۵

جدول شماره (۷) : ضریب همبستگی پیرسون میان دو متغیر اقامت و مطلوبیت و دل بستگی

		مدت اقامت	مطلوبیت و دل بستگی	
Spearman's rho	مدت اقامت	Correlation Coefficient	.۷۶۰**	
		Sig. (۲-tailed)	.۰۰۰	
		N	۹۶	
	مطلوبیت و دل بستگی	Correlation Coefficient	.۷۶۰**	۱.۰۰۰
		Sig. (۲-tailed)	.۰۰۰	.
		N	۹۶	۹۶

منبع : نگارندگان ، ۱۳۸۵

جدول شماره (۸) : ضریب همبستگی پیرسون میان دو متغیر تحصیلات و مطلوبیت و دل بستگی

		تحصیلات	مطلوبیت و دل بستگی	
Spearman's rho	سن	Correlation Coefficient	.۳۰۴*	
		Sig. (۲-tailed)	.۰۱۵	
		N	۹۶	
	تحصیلات	Correlation Coefficient	.۳۰۴*	۱.۰۰۰
		Sig. (۲-tailed)	.۰۱۵	.
		N	۹۶	۹۶

منبع : نگارندگان ، ۱۳۸۵

جدول شماره (۹) : ضریب همبستگی پیرسون میان دو متغیر جنسیت و مطلوبیت و دل‌بستگی

		سن	مطلوبیت و دل‌بستگی	
Spearman's rho	سن	Correlation Coefficient	.۲۴۹*	
		Sig. (۲-tailed)	.۰۱۵	
		N	۹۶	
	مطلوبیت و دل‌بستگی	Correlation Coefficient	.۲۴۹*	۱.۰۰۰
		Sig. (۲-tailed)	.۰۱۵	.
		N	۹۶	۹۶

منبع : نگارندگان ، ۱۳۸۵

ضریب همبستگی پیرسون میان مدت اقامت، تحصیلات و جنسیت با متغیر مطلوبیت و دل‌بستگی محله‌ای به ترتیب ۰/۷۶۰، ۰/۳۰۴ و ۰/۲۴۹ استخراج شده است. همچنین برای بررسی میزان علاقه‌مندی ساکنین محله به تنوع عملکردی و فعالیتی و عناصر طبیعی و میزان حس تعلق محله‌ای، همبستگی سوالات این مولفه‌ها و مطلوبیت و دل‌بستگی محله‌ای سنجیده شده است.

جدول شماره (۱۰) : ضریب همبستگی پیرسون میان دو متغیر تنوع و مطلوبیت و دل‌بستگی

		تنوع	مطلوبیت و دل‌بستگی	
Spearman's rho	تنوع	Correlation Coefficient	.۶۳۷**	
		Sig. (۲-tailed)	.۰۱۵	
		N	۹۶	
	مطلوبیت و دل‌بستگی	Correlation Coefficient	.۶۳۷**	۱.۰۰۰
		Sig. (۲-tailed)	.۰۰۰	.
		N	۹۶	۹۶

منبع : نگارندگان ، ۱۳۸۵

جدول شماره (۱۱) : ضریب همبستگی پیرسون میان دو متغیر عناصر طبیعی و مطلوبیت و دل‌بستگی

		عناصر طبیعی	مطلوبیت و دل‌بستگی	
Spearman's rho	عناصر طبیعی	Correlation Coefficient	.۷۸۲**	
		Sig. (۲-tailed)	.۰۱۵	
		N	۹۶	
	مطلوبیت و دل‌بستگی	Correlation Coefficient	.۷۸۲**	۱.۰۰۰
		Sig. (۲-tailed)	.۰۰۰	.
		N	۹۶	۹۶

منبع : نگارندگان ، ۱۳۸۵

ضریب همبستگی پیرسون میان تنوع و عناصر طبیعی با متغیر مطلوبیت و دلبستگی محله‌ای به ترتیب ۰/۶۳۷ و ۰/۷۸۲ استخراج شده است. با همبستگی‌هایی که ضرایب آن‌ها بین ۰/۶۵ تا ۰/۸۵ قرار دارد می‌توان پیش‌بینی گروهی دقیق انجام داد. با افزایش ضریب همبستگی در این دامنه، دقت پیش‌بینی گروهی نیز به همان نسبت افزایش پیدا می‌کند. از اینرو میان متغیرهای فوق رابطه همبستگی برقرار است.

پیشنهادات تحقیق

طراحی ساختمان‌های چند منظوره معمولاً به صورت خوشه‌ای صورت می‌گیرد. مهمترین نکته در طرح چنین مراکزی، ارتباط کارآمد و مناسب ساختمان‌هایی است که کل مجموعه را تشکیل می‌دهند. بناهای تشکیل دهنده مجموعه نباید به صورت حجم‌هایی پراکنده و فاقد ارتباط بصری باشند. ایجاد پیوند بصری و ارتباط فیزیکی مناسب از اصول مهم برای کارایی و مطلوبیت است. علاوه بر جنبه‌های عملکردی و استفاده بهینه از فضاهای مختلف، توجه به مسائل زیباشناختی حائز اهمیت بسزایی است. هنر بومی و ویژگی‌های زیباشناختی مربوط به منطقه‌ای خاص می‌تواند در اجزاء و عناصر تشکیل دهنده مجتمع‌هایی با کاربری محله‌ای را فراهم نماید.

بناها و سازه‌ها در یک مجموعه باید در یک طرح معماری یکپارچه و هماهنگ سازمان یابند. شباهت در نوع مصالح، رنگ‌ها و جزئیات از عوامل مؤثر است. توجه به این ویژگی به هیچ وجه به معنای ایجاد یکنواختی در مجموعه نیست؛ مهم این است که وحدت بر کل فضا حاکم باشد. در معماری، هماهنگی حقیقی به همسازی و یکپارچگی حجم بناها و نیز جزئیات آن‌ها بستگی دارد. سبک و توده ساختمان باید وحدت حاکم بر مجموعه را به ناظران، القا نماید؛ یعنی به ایجاد کلیتی منجر شود که به راحتی قابل درک باشد. هر چقدر فرم، حجم، نما، جزئیات و ترتیب قرار گرفتن اجزاء ساختمان یا مجموعه، هماهنگی بیشتری با هم داشته باشند، کلیت حاصل شده، مطلوب‌تر خواهد بود.

دستیابی به کیفیتی عالی در طرح معماری بایستی به عنوان هدف مهم در طراحی، مد نظر قرار گیرد. اصول زیباشناختی، ایستایی و توجه به جنبه‌های عملکردی حائز اهمیت می‌باشد. در طراحی مجتمع‌های چندعملکردی، توجه به کیفیت هر چهار نمای ساختمان حائز اهمیت است؛ هم آن‌هایی که از مسیرهای عمومی و خیابان قابل رویت می‌باشد و افراد زیادی به صورت گذرا آن را مشاهده می‌نمایند و نیز نماهای فرعی. در واقع همه سطوح ساختمان از جنبه‌های بسیاری، واجد ارزش یکسانی است.

در نظر گرفتن رشد، مجموعه و توسعه‌های بعدی. نورپردای و بازی درست نور طبیعی و مصنوعی در بخش‌های مختلف مجموعه. طراحی، رنگ‌بندی، کف‌ها، سقف‌ها، نورگیرها، دیوارها، دیوارهای کاذب و طراحی انواع ویتترین‌ها و فضاهای ویژه آثار، پانل‌ها و تقسیم‌کننده‌های دیگر. گرافیک محیطی و سیستم‌های اطلاع‌رسانی فعال و غیرفعال. طراحی سیرکولاسیون صحیح، خوانایی مسیر و ایجاد ارتباط با فضای بیرونی. (همان) با توجه به نتایج مطالعات میدانی و اسنادی مهمترین معیارهای طراحی مجموعه‌های چندعملکردی مانند سرای محله است. با توجه به اهداف پژوهش در جدول ۱۲ ارائه شده است:

جدول شماره (۱۲) : راهکارهای طراحی سرای محله بر اساس معیارهای تعریف شده

معیار	نام شاخص	راهکار طراحی
مؤلفه زیباشناختی (معیارهای عینی - کالبدی)	ابعاد و اندازه	<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد محصوریت مطلوب که حس دنجی فضا را ایجاد نماید و در عین حال قابل رویت باشد. (از طریق گیاهان کم تراکم، کفسازی و موانع فیزیکی) - در صورت طراحی فرم‌های منفک، حریم ارتفاعی بناها رعایت گردد که احساس محصوریت شدید یا رها شدن فضایی ایجاد نشود. - توجه به عرض راهروها و مسیرهای حرکت و در نظر گرفتن فضاهای مکث و توقف - انعطاف‌پذیری مکان‌های نشستن که در دلپذیری فضا نیز موثر است مد نظر قرار گیرد.
	موقعیت	<ul style="list-style-type: none"> - موقعیت‌های فضایی به گونه ای انتخاب گردند که فرصت گذران اوقات فراغت را برای فراهم نماید. - موقعیت فضاها بطور مجزا از خیابان جهت گیری و تعیین شوند. - مکان‌های دنج و گوشه‌هایی در فضاهای شهری مانند پارک‌ها و... البته با قابلیت کنترل و مراقبت ایجاد گردند.
	استانداردهای فضایی	<ul style="list-style-type: none"> - طراحی ابعاد فضا و مبلمان با توجه به مقیاس انسانی و متناسب با علم آرگونومیک مرتبط با بدن باشد - استفاده از مقیاس انسانی در طراحی، استفاده از درختان و گیاهان می‌تواند به افزایش محصوریت و پیوستگی فضا کمک کند
	میزان نور	<ul style="list-style-type: none"> - استفاده از نور طبیعی در فضاهای اصلی - ایجاد تنوع فضایی به وسیله نور به صورتی که فضاهای با کیفیت‌های نوری متفاوت برای بروز رفتارهای مختلف ایجاد شود. - استفاده از نور به عنوان ابزاری جهت ارتقاء خوانایی محیط و کاهش استرس‌های روانی و رفتاری ناشی از ابهام کالبدی
	مبلمان	<ul style="list-style-type: none"> - جانمایی مبلمان و محل‌های نشستن با قابلیت انتخاب گزینه‌های فراوان (موقعیت، فرم، اندازه، رنگ و مصالح) طراحی گردد. - استفاده از مبلمان متنوع برای بروز رفتارهای جمعی - استفاده از مبلمان مخصوص بازی کودکان و ایجاد حلقه‌های کوچک اجتماعی اطراف آن - استفاده از رنگ‌های متنوع در مبلمان به صورتی که قابل شناسایی سریع و جذاب باشد. - مبلمان باید باعث تقویت فضاهای اصلی مجموعه شده و حضور افراد را در این فضاها افزایش دهد.
تصویر ذهنی (معیارهای ذهنی - روانی)	رنگ، نوع و بافت مصالح	<ul style="list-style-type: none"> - از تنوع بسیار شدید مصالح و رنگ‌ها پرهیز شده و با تنوع متوسطی از رنگ‌ها و مصالح طراحی گردد. - استفاده از رنگ برای کمک به خوانایی مجموعه
	تنوع	<ul style="list-style-type: none"> - از فرم‌ها و اشکال پویا در طراحی فضا استفاده گردد. - تنوع در خدمات و فعالیت‌ها از جمله ایجاد فروشگاه‌ها محل بازی کودکان و... در محیط لحاظ گردد. - ریتم، هارمونی، کنتراست و تنوع در معماری ایجاد گردد.
معیارهای تعریف شده	امنیت	<ul style="list-style-type: none"> - مراقبت و کنترل گروهی در مفصل ارتباطی بین محیط داخلی و فضای شهری اطراف وجود داشته باشد - ارتباط راحت میان عرصه‌های عمومی و نیمه عمومی برای استفاده کنندگان موجب افزایش وضوح و کنترل می‌گردد - از ایجاد گوشه‌ای و کنج‌های پنهان و خطرناک جلوگیری گردد. - درختان و فضای سبز به گونه ای باشند که مانع دید نباشند.
	خوانایی و وضوح	<ul style="list-style-type: none"> - از بوجود آمدن جداره‌های بسیار طولی و یکنواخت و بسته جلوگیری گردد.

ادامه جدول شماره (۱۲) : راهکارهای طراحی سرای محله بر اساس معیارهای تعریف شده		
		<ul style="list-style-type: none"> - گشودگی‌ها و شفافیت بدنه‌ها برای دیده شدن در نظر گرفته شود. - از بوجود آمدن ابهام در فضا جلوگیری گردد.
آسایش محیطی		<ul style="list-style-type: none"> - جهت‌گیری مکان‌های نشستن به سمت مناظر آب، مناظر دوردست شهر، نظارت بر کودکان و تماشای اجراهای هنری در فضاهای عمومی انجام گیرد. - در صورت طراحی فضای باز از حضور فیزیکی و بصری خودرو در محیط جلوگیری شود. - کف سازی و نیز سهولت حرکت جهت سالخوردگان و کودکان و کالسکه کودک فراهم گردد.
مؤلفه‌های عملکردی - فعالیتی	خاطره انگیزی و حس تعلق	<ul style="list-style-type: none"> - فضاهایی جهت مکث و تجمع‌های کوچک پیش بینی گردد. - بروز رفتار عامل اصلی ایجاد خاطره است. از اینرو محیط کالبدی گسترده که امکان بروز رفتارهای جمعی مختلف را فراهم نماید، مجموعه را به فضایی خاطره انگیز تبدیل می‌کند. - استفاده از عناصر کالبدی که عموم استفاده‌کنندگان از آن خاطره دارند.
	ارتباط با طبیعت	<ul style="list-style-type: none"> - استفاده از عناصر طبیعی در ابعاد فیزیکی مختلف. - حضور عناصر طبیعی در فضاهای خرد - تقویت اصوات خوش از قبیل امکان حضور پرندگان خوش صدا و یا ایجاد موسیقی ملایم در فضا در نظر گرفته شود.
	خدمات و عملکردهای رفاه	<ul style="list-style-type: none"> - تعریف عملکردهای خدماتی که امکان حضور افراد بیشتری را فراهم می‌کند، از جمله فضای بازی و نگهداری کودکان - توجه به فعالیت‌های فرهنگی جاذب جمعیت، از جمله سالن‌های کوچک نمایش فیلم، تئاتر و نمایشگاه دائمی یا موقتی کتاب
	وجود عناصر نمادین فرهنگی	<ul style="list-style-type: none"> - از عناصر هنر عمومی (مجسمه‌ها، تندیسها، تابلوهای هنر دستی و...) به عنوان نمادهای تزئینی که باعث درگیری ذهنی می‌شود و میل به حضور در فضا را افزایش میدهد استفاده گردد.

منبع : نگارندگان ، ۱۳۸۵

جمع‌بندی

محله‌های شهری به عنوان کوچکترین واحد سازمان فضایی شهر، نقشی اساسی در پایداری شهری ایفا می‌کنند، به گونه‌ای که شکل‌گیری هویت محله‌ای، اقتصاد محلی، ایمنی، توسعه فضای پی و کالبدی و تحکیم روابط اجتماعی با پایداری محله‌های شهری ارتباط می‌یابد. در دهه‌های اخیر، با تغییرات شگرف ساختار فضایی محله‌های شهری از نقش سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آنها کاسته شده و نارسایی‌هایی چون آلودگی‌های زیست محیطی، بیکاری، فقر، حاشیه‌نشینی، آسیب‌های اجتماعی - روانی و فرهنگی، به ویژه اتلاف سرمایه‌های مادی و معنوی، را به همراه داشته است (منصوری و احمدی، ۱۳۸۹: ۱).

زبان یکی از مهمترین پدیده‌هایی است که در علم نشانه‌شناسی تا کنون به صورتی خاص به آن توجه شده و متون نوشتاری یا زبان محاوره‌ای بارزترین پدید در عرصه نشانه‌شناسی به شمار می‌آمده است. زبان به دو شکل شنیداری و دیداری است. معماری را از جنبه ارتباطی و اطلاع‌رسانی آن میتوان به زبان تصویری تشبیه کرد. در این حالت می‌توان مصالح را در ساده‌ترین شکل به حروف، عناصر یا ترکیبی از مصالح را به کلمه‌ها و ترکیب‌ها را به جمله و عبارت و یک مجموعه را به متن تشبیه کرد. همانگونه که هر زبان قواعد و دستوری برای چگونگی ترکیب واژه‌ها و جمله دارد، در معماری نیز قواعد و اصولی برای سازماندهی عناصر و فضاها وجود دارد (سلطان‌زاده، ۱۳۸۵: ۴۹).

در میان تمامی شاخص‌های مولفه ادراکی، هفت شاخص اول در محلات قدیمی بیشترین امتیاز (جهت القای حس مکان) و احساس امنیت بعلت وجود معابر تنگ و تاریک، حضور افراد غیر بومی در سطح محدوده، بافت فرسوده و کم دوام سطح محله، وجود کنج‌های تاریک و مخفی و بن بست‌های زیاد در این محدوده کمترین امتیاز را دارا می‌باشد. به طور کلی می‌توان گفت بسیاری از فضای ایجاد شده در محلات امروز تهران هیچگاه برای افراد خاطراتی را زنده نمی‌سازد و آنان را از آن چه می‌بینند جدا نمی‌سازد و به زمان دیگری متصل نمی‌کند، به نیازهای زیبا شناختی انسان پاسخ نمی‌دهد زیرا بر اساس فطرت زیبا طلبانه آن‌ها ایجاد نشده است.

تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی رخ داده در چند دهه اخیر باعث گردید تا شهرها در عرصه ملی با پویای قوی تری نسبت به روستاها ظاهر شده و مهاجرین زیادی را از مناطق روستائی به خود جلب نمایند. با ادامه روند مهاجرت از مناطق روستائی به شهرهای بزرگ خصوصاً تهران، ترکیب و بافت جمعیت شهرها به شدت دگرگون شده است.

در چنین شرایطی شکل‌گیری محله‌های شهری نه بر اساس تجانس‌های قومی، نژادی، زبانی، مذهبی بلکه بر اساس توان اقتصادی افراد، تجانس شغلی (کوی‌ها و محله‌های مساکن کارمندی و کارگری) قرار گرفت. در واقع تعلق محله‌ای که قبلاً تابعی از فاکتورهای فرهنگی اجتماعی همچون قومیت، نژاد، زبان، فرقه، دین و مذهب و... بوده امروزه تابعی از فاکتورهای مادی و اقتصادی شده است. در شهرهای امروز خصوصاً کلانشهرهایی چون تهران، تجانس افراد به لحاظ تمکن مالی یا عدم تمکن مالی، عامل انتخاب محل سکونت و زندگی افراد است. سطح توان مالی شهرنشینان به تنها عامل همسایگی آنها مبدل شده است. اگر در گذشته اهالی محله‌ها به وجود شخصیت‌های فرهیخته یا فرهنگی محله خود افتخار می‌نمودند، امروزه عکس آن صادق است به این معنا که این مکان است که باعث مباحثات یا سرافکندگی ساکنانش می‌گردد. (رهنمایی و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۰).

پس از ارائه تحلیل‌های آماری برای بررسی فرضیات لازم است تا نتایج آماری تفسیر شود. فرضیه‌های پژوهش ناظر بر ارتباط میان تنوع عملکردی و فعالیت و میزان حس تعلق شهروندان بوده است. از اینرو همبستگی این دو متغیر در سوالات مختلف پرسشنامه بررسی شد. ضریب همبستگی میان علاقه‌مندی به تنوع عملکردی و حس دلبستگی محله‌ای برابر $0/637$ است. بدین معنا که تنوع فضایی و عملکردی و وجود فضاهایی با تنوع کارکردی باعث افزایش حس تعلق اهالی محله و بروز تعاملات اجتماعی خواهد شد.

بررسی فرضیه (گمان می‌رود در اهالی محله کوهسار میان سن، جنسیت و مدت سکونت و احساس تعلق به مکان رابطه معنا داری وجود دارد.) نشان می‌دهد. تنها میان مدت اقامت و مطلوبیت و دلبستگی محله‌ای رابطه معنادار روشنی برقرار است و متغیرهای سن، تحصیلات و جنسیت همبستگی با حس تعلق ندارند. همچنین در بررسی فرضیه‌های دیگر در خصوص ارتباط عناصر طبیعی و حس تعلق بر اساس نظر شهروندان رابطه معنا داری میان این دو متغیر برقرار است به این معنی که استفاده از عناصر طبیعی و حضور طبیعت در مجموعه‌های عمومی باعث افزایش حس تعلق به محله خواهد شد.

ایده و روند طرح

تلاش برای خلق طرح‌های معمارانه براساس مفاهیم طرح‌های اریگامی دربردارنده گستره‌ای از خانه‌های مسکونی تا هتل‌ها، مراکز تفریحی، ادارات، و غیره است. نکته مهم این است که اریگامی اکنون تبدیل به یکی از گرایش‌های هنری در معماری معاصر شده است. اوریگامی در طرح‌های مفهومی معماری هم کاربرد دارد و مدت‌هاست که معماران از طریق پروژه‌های مفهومی مشغول بررسی جنبه‌های مختلف «معماری مطابقت پذیر» هستند. نمونه‌های موفقی از طراحی و ساخت بناهایی به سبک اوریگامی در سراسر جهان به چشم می‌خورد که نقطه اشتراک تمامی این بناها نه تنها توجه به ذخیره انرژی بلکه تولید انرژی به عنوان دانش نوین در این بناهاست.

روند طراحی مجموعه فرهنگی سرای محله طی ساخت دو ماکت حجمی با الگوی ساخت فرم‌های اوریگامی آغاز شد یکی از دو فرم حجمی انتخاب شد ایده ساخت فرم ماکت انتخابی از فیزیک پرنده الهام گرفته شده است. فرآیند طراحی با اتوهای حجمی آغاز شد، با توجه به مبانی نظری و علاقه مندی اهالی محله کوهسار به ایجاد فرم‌های متنوع سازگار با طبیعت، طراحی با استفاده اریگامی و ایجاد فرم بدن پرنده شکل گرفت.

شکل شماره (۵) : نمای سه بعدی طرح نهایی



منبع : نگارندگان ، ۱۳۸۵

منابع و ماخذ

- ۱- پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۸) «مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری». چاپ سوم، تهران: انتشارات شهیدی
- ۲- پاکزاد، جهانشاه و همکاران (۱۳۹۱) «الفبای روانشناسی محیط برای طراحان»، تهران: انتشارات آرمانشهر.
- ۳- جعفری، مرضیه (۱۳۹۱) «طراحی سرای محله با رویکرد ارتقاء تعاملات اجتماعی در میان ساکنان؛ مطالعه موردی: محله درکه، تهران، ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی؛ دانشکده معماری و شهرسازی
- ۴- جهدی، نوید و کلانتری، محسن (۱۳۹۲) «جستاری بر رفتارشناسی انسان در حیطه مطالعات شهری»، همایش ملی معماری پایدار و توسعه شهری، بوکان
- ۵- حبیبی، رعناسادات (۱۳۸۷) «تصویرهای ذهنی و مفهوم مکان»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۵، صص ۳۹-۵۰
- ۶- حبیبی، سیدمحسن (۱۳۷۹) «جامعه مدنی و حیات شهری». نشریه هنرهای زیبا، شماره ۷، صص ۳۳-۲۱
- ۷- دانشپور، سیدعبدالهادی و چرخچیان، مریم (۱۳۸۶) «فضاهای عمومی وعوامل موثر برحیات جمعی». نشریه باغ نظر، شماره ۷، صص ۱۹-۲۸
- ۸- دانشپور، سیدعبدالهادی و همکاران (۱۳۸۸) «تبیین مدل دل بستگی به مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن»، هنرهای زیبا، دوره ۱، شماره ۳۸، صص ۳۷-۴۸
- ۹- دلاور، علی (۱۳۸۸) «روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی»، تهران: نشر ویرایش
- ۱۰- ربانی، رسول (۱۳۸۵) «جامعه شناسی شهری» چاپ اول، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان
- ۱۱- رفیعیان، مجتبی و خدائی، زهرا (۱۳۸۸) «بررسی شاخص ها و معیارهای موثر بر رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری» نشریه راهبرد، شماره ۵۳، سال هجدهم، صص ۲۴۸-۲۲۷
- ۱۲- رلف، ادوارد، (۱۳۸۹) «مکان و بی مکانی»، ترجمه محمدرضا نقصان محمدی، کاظم مندگاری، زهیر متکی، چاپ اول، تهران: انتشارات آرمانشهر
- ۱۳- سرمست، بهرام و متوسلی، محمدمهدی (۱۳۸۹) «بررسی و تحلیل نقش "مقیاس شهر" در میزان "حس تعلق به مکان"؛ مطالعه موردی: شهر تهران»، فصلنامه مدیریت شهری، دوره ۸، شماره ۲۶، صص ۱۴۶-۱۳۳
- ۱۴- شکوئی، حسین (۱۳۷۲) «جغرافیای اجتماعی شهرها، اکولوژی اجتماعی شهر» چاپ دوم، تهران: موسسه انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد)
- ۱۵- فاضلیان، سیدمحسن و قاسمی، محمدرضا (۱۳۹۲) «بررسی ویژگی های فضاهای اجتماعی مناسب در ایجاد حس تعلق به محله، مورد مطالعه: منطقه ۲ شهرداری تهران» فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، سال پنجم، شماره شانزدهم، صص ۷۰-۵۷

- ۱۶- فتحی، میلاد (۱۳۹۲) «ارائه راهکارهای طراحی بافت فرسوده شهری با استفاده از تکنیک چیدمان فضا با رویکرد افزایش امنیت شهروندان؛ مطالعه موردی: بافت فرسوده قلمستان کرج» پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته طراحی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان
- ۱۷- فلاحت، محمد صادق (۱۳۸۵) «حس مکان و عوامل تشکیل دهنده آن»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶، صص ۶۶-۵۷
- ۱۸- گل، یان (۱۳۸۷) «زندگی در فضای میان ساختمان‌ها» ترجمه: شیما سادات شصتی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی
- ۱۹- گلکاری، کوروش (۱۳۷۹) «مولفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری»، نشریه علمی-پژوهشی صفا، شماره ۳۲، صص ۳۳-۲۹
- ۲۰- لنگ، جان (۱۳۸۸) «آفرینش نظریه معماری؛ نقش علوم رفتاری در طراحی محیط»، ترجمه علیرضا عینی‌فر. چاپ دوم، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران
- ۲۱- لینچ، کوین، (۱۳۸۱) «تئوری شکل خوب شهر»، ترجمه حسین بحرینی، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۲- محرابیان، احمدرضا و همکاران (۱۳۸۴) «تنوع گونه‌های گیاهی ناحیه کوهستانی اوین-درکه» فصلنامه علوم محیطی، دوره ۲، شماره ۷، صص ۲۸-۱۳
- ۲۳- مزین خرازی، بهنام (۱۳۸۸) «خانه فرهنگ محله رسالت» پایان نامه کارشناسی ارشد معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران
- ۲۴- مطلبی، قاسم (۱۳۸۰) «روانشناسی محیطی؛ دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری» نشریه علمی-پژوهشی هنرهای زیبا: شماره ۱۰، صص ۶۷-۵۲.
- ۲۵- واثقی، سپیده و عدالتی خواجه، مهدیه (۱۳۹۲) «تحلیل مقایسه‌ای عناصر و ترکیبات موثر در شکل‌گیری حس مکان؛ محلات سراب و آزادشهر مشهد» همایش ملی معماری پایدار و توسعه شهری، بوکان
- ۲۶- وارثی، حمیدرضا و همکاران (۱۳۸۹) «بررسی و تحلیل مؤلفه‌های هویت شهری و رابطه آن با میزان تعلق مکانی ساکنان شهرهای جدید مطالعه موردی: شهر گلپه‌هار» مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری. سال اول. شماره دوم

27-Altman, I. & Setha Low (ed.) (1992), Place Attachment, Plenum Press, New York.

28-Arefi, mahyar (1999). "non-place and placelessness, as narratives of loss: rethinking the notion of place" journal of urban design, volume 4

29-Lang, jan. (1961) "Urban Design-The American Experience". New York : Van Nostrand Reinhold, p. 96

30-Xu, Yan (1995), "Sense of Place and Identity", Research on Place & Space Website; 20 Feb. 2003; 12 Mar.